

تهیه و طراحی : محمد یولچی خانی



اگر این محتوا مفید بود یا اگر word این محتوا را خواستید با شماره:

« ۰۹۱۰۰۴۸۲۵۲۲ » تماس وبا واریز مبلغ دلخواه ما را یاری کنید.



درسنامه

دوران متأخر

اگر از آغاز ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری را دوره متقدم بدانیم (که فارابی بزرگ ترین فیلسوف این دوره بوده است).

(و از قرن پنجم تا دهم را دوره میانه به حساب آوریم (که ابن سینا در ابتدای آن طلوع کرده است)، قرن یازدهم تا عصر حاضر را نیز می توانیم دوره متأخر بدانیم.

علم کلام رقیب فلسفه

فلسفه، در همان ابتدا رقیبی به نام علم کلام داشت.

دانشمندان علم کلام، که به آنها متکلمین می گویند، می خواستند از طریق عقل و استدلال از معارف دینی دفاع کنند.

بسیاری از متکلمان با فلسفه مخالف بودند و از فیلسوفان انتقاد می کردند. برخی از این انتقادات آن قدر شدید بود که فلسفه را پس از ابن سینا، در بخش هایی از جهان اسلام به رکود کشاند.

صاحب حکمت متعالیه

ملاصدرا در سال ۹۷۹ هجری قمری در شیراز به دنیا آمد. تحصیل را در همان جا آغاز کرد اما پس از مرگ پدرش، که از رجال نامی شیراز بود، به اصفهان رفت؛ میراث پدر را صرف تحصیل علم نمود و به عالی ترین مراتب حکمت رسید. وی ابتدا به حلقه درس شیخ بهایی پیوست و سپس به پیشنهاد استاد، به درس فلسفه میرداماد، که بنیان گذار حوزه فلسفی اصفهان بود، وارد شد. مشرب این دو استاد گران قدر که علاوه بر علوم روز، در عرفان و انوار قلبی هم از نوادر روزگار بودند. بالاخره، این بزرگ مرد عرصه حکمت و عرفان، در سال ۱۰۵۰ هجری قمری در هفتاد سالگی در راه بازگشت از سفر حج، در عراق درگذشت.

تالیفات

ملاصدرا تالیفات متعددی دارد که همه آنها در جایگاه خود مهم و منشأ اثر بوده اند، مانند «الشواهد الربوبیه»، «تفسیر القرآن الکریم» و «المبدأ و المعاد». مهم ترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدرا «الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة» می باشد که دایرة المعارف فلسفی ملاصدرا است. این کتاب که به «اسفار» مشهور است و در نه جلد به چاپ رسیده، با الهام از سفر چهار مرحله ای عارفان در چهار بخش اصلی تألیف و تنظیم شده است.

سیر و سلوک انسان به سوی کمال و رسیدن به کمال نهایی در چهار سفر از نظر عرفا

سفر اول، سفر از خلق به حق (خدا): در این سفر سالک می کوشد از طبیعت و عوالم ماورای طبیعت عبور کند و به حق واصل شود و میان او و خدا حجابی نباشد. ملاصدرا، مباحث عمومی فلسفه را در بخش اول کتاب خود قرار داده است.

سفر دوم، سفر با حق و در حق: در این سفر سالک می کوشد به کمک خداوند، سیری در اسماء و صفات خداوند نماید.

ملاصدرا، نیز بعد از مباحث عمومی فلسفه به مباحث مربوط به توحید و صفات

الهی می پردازد.

سفر سوم، سفر از حق (خدا) به سوی خلق، همراه با حق است. در این سفر سالک به سوی خلق باز می گردد در حالی که به حق توجه دارد و همه چیز را مظهر و جلوه او می یابد.

ملاصدرا بخش سوم کتاب خود را به افعال خداوند و ربوبیت و حکمت الهی اختصاص داده است.

سفر چهارم، سفر در خلق است با حق: در این سفر سالک می کوشد به کمک حق مردم را هدایت کند و آنها را نیز سالک راه حق نماید.
ملاصدرا نیز بخش چهارم کتاب خود را به «علم النفس» و مراحل شکل گیری آن تا رسیدن به مرحله معاد اختصاص داده است.^۱

حکمت متعالیه

فلسفه‌ای که ملاصدرا بنیان گذاشت و آن را رسماً «حکمت متعالیه» نامید، نتیجه تکاملی دو مشرب گذشته، «فلسفه مشاء» و «فلسفه اشراق» و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود. به عبارت دیگر، در شخصیت وجودی ملاصدرا برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی با هم الفت یافته و از این الفت، فلسفه‌ای برآمد که سرآمد فلسفه‌های قبل از خود می باشد.

میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن

میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن، این است که:

اولاً: هر مبحثی که طرح می کند، به موضوع فلسفه، یعنی وجود و مسائل بنیادی مربوط به آن، مربوط باشد.

ثانیاً: متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان نقلی و قرآنی.

منابع حکمت متعالیه

- ۱- فلسفه مشاء، به خصوص اندیشه‌های مستدل و قوی ابن سینا؛
- ۲- حکمت اشراق، اندیشه‌های شیخ شهاب الدین سهروردی؛
- ۳- عرفان اسلامی، به خصوص اندیشه‌های محیی الدین عربی؛^۲
- ۴- تعالیم قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا و ائمه اطهار علیهم السلام

اصول اولیه ی حکمت متعالیه

- ۱- اصالت وجود
- ۲- وحدت حقیقت وجود
- ۳- مراتب داشتن وجود
- ۱- اصالت وجود

اول: «اصالت»، در این بحث، به معنای «واقعی» است که در مقابل آن، ذهنی و غیر واقعی قرار دارد؛ مثل اینکه بگوییم آسمان یک امر واقعی است. پس مقصود ملاصدرا از وجود اصیل است، این است که وجود امر واقعی است.

دوم: چه عواملی سبب شد که ملاصدرا این نظر را بدهد؟ در درس اول همین کتاب خواندیم که ابن سینا در حدود شش قرن پیش نظر داد که ما از هر شیء خارجی که می بینیم، دو مفهوم «هستی» و «چیستی» یا وجود و ماهیت را به دست می آوریم؛ مثلاً مفهوم «انسان» که یک ماهیت است و «بودن» (یا همان وجود).

سوم: این دو مفهوم، غیر یکدیگرند. یعنی دو مفهوم متغایر و متفاوت اند. مثل «انسان» و «بشر» نیستند که فقط دو لفظ هستند، اما مفهوماً یکی اند.

چهارم: بعد از ابن سینا و گذشت سالیان، برخی فلاسفه این سؤال را مطرح کردند که: حال که آن شیء خارجی که منشأ پیدایش دو مفهوم متغایر در ذهن ما شده، یکی است، این یک شیء واقعاً و حقیقتاً مصداق کدام یک از این دو مفهوم است؟ «وجود» یا ماهیت؟

پنجم: برخی از فیلسوفان، از جمله میرداماد که استاد ملاصدرا بود، گفتند آن امر واقعی خارجی مصداق ماهیت است؛ یعنی آنچه واقعی است، ماهیت است نه وجود. پس «اصالت» با ماهیت است و وجود، صرفاً یک مفهوم انتزاعی ذهنی است. اذهان عادی هم این نظر را بهتر می پسندید؛ آری این «انسان» (همان ماهیت) است که واقعی است، نه وجود!

۲- وحدت حقیقت وجود

اول: همه ترجیع بند شاعر بزرگ، هاتف اصفهانی را شنیده ایم که در آخر هر ترجیع می گوید:

که یکی هست و هیچ نیست جز او وحده لا اله الا هو

این ترجیع بند هاتف یک ترجیع بند عرفانی است و عقیده عرفا را در «وحدت وجود» به تصویر ادبی می کشد. عارفان از دیرباز معتقد بودند که هستی یکی است و یک حقیقت است و کثرت های جهان اصالت ندارند. آنان که این حقیقت را از طریق شهود عرفانی به دست آورده بودند، برای اثبات نظر خود کمتر به استدلال متوسل می شدند و بیشتر از طریق تمثیل و تشبیه به دیگران می رساندند. آنان می گفتند نسبت حقیقت وجود به این کثرت هایی که می بینیم، مانند نسبت آب دریا به امواج است. این امواج فراوان که مرتب می آیند و می روند و گاه از بزرگی و عظمت آنها هم یاد می کنیم، چیزی جز همان آب نیستند که این گونه چین و شکن پیدا کرده و خود را بر صخره ها می کوبد.

درخت و انسان و خورشید و جمله این امور گوناگون، از خود هویتی و وجودی ندارند، صرفاً آن آب و سایه های آن حقیقت اند.

دوم: ملاصدرا که خود از عارفان برجسته بود و این وحدت را خود نیز شهود کرده بود، می خواست که این حقیقت را با برهان فلسفی نیز اثبات نماید و به دیگران برساند. رسیدن به اصالت وجود، راه او را برای استدلال بر «وحدت وجود» باز و هموار کرد و دریافت که تا اثبات فلسفی وحدت وجود، قدمی کوتاه مانده است.

قدم سوم که همان قدم کوتاه است، نکته ای است که ما آن را در همان درس اول آموخته بودیم. در آن درس، بعد از اینکه دانستیم از هر واقعیتی دو مفهوم به دست می آوریم: وجود و ماهیت؛ دانستیم که مفهوم ماهیت، در هر شیئی با شیء دیگر متفاوت است؛ یکی اسب است، دیگری درخت است، سومی گربه است و همین طور. اما مفهوم وجود در همه اشیا یکی است. یعنی مفهوم وجود، مشترک میان همه اشیا است.

۳- مراتب داشتن وجود

دستآورد سومی که در اینجا از آن یاد می کنیم، تبیین دقیق تعدد و تکثر در عالم است. از نظر ملاصدرا، با اینکه هستی یک حقیقت واحد است، اما این حقیقت واحد، دارای درجات، مراتب و شدت و ضعف است. در مقام تشبیه، این حقیقت واحد، مانند یک کانون نور درخشان است که اشعه آن به میزانی که از کانون دور می شوند، ضعیف و ضعیف تر می شوند و همین اختلاف در شدت و ضعف، سبب تمایز آنها از یکدیگر و پیدایش کثرت در جهان می گردد.

الف) سوالات کامل کردنی :

- ۱- اگر از آغاز ظهور اسلام تا قرن چهارم هجری را دوره بدانیم و از قرن پنجم تا دهم را دوره به حساب آوریم قرن یازدهم تا عصر حاضر را نیز می توانیم دوره متأخر نام گذاری کنیم. (متقدم- میانه - متأخر)
- ۲- از طریق عقل و استدلال از معارف دینی دفاع می کنند. بسیاری از متکلمان با فلسفه مخالف بودند و از فیلسوفان انتقاد می کردند. (متکلمین)
- ۳- فلسفه، در همان ابتدا رقیبی به نام علم داشت. (کلام)
- ۴- مهم ترین و مشهورترین اثر فلسفی ملاصدرا می باشد که دایره المعارف فلسفی ملاصدرا است. (الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعه)
- ۵- عرفا معتقدند که سیر و سلوک انسان به سوی کمال و تا رسیدن به کمال نهایی در انجام می شود (چهار سفر)
- ۶- فلسفه ای که ملاصدرا بنیان گذاشت و آن را رسماً «.....» نامید. نتیجه تکاملی دو مشرب گذشته، «فلسفه» و «فلسفه» و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود.

(حکمت متعالیه- مشاء - اشراق)

- ۷- از هر چیز خارجی دو مفهوم به ذهن ما می آید: «.....» و «.....» (وجود-ماهیت)
- ۸- به طور مختصر، وقتی ما چیزی را مشاهده می کنیم و متوجه بودن آن می شویم، می گوییم «این هست» و با این جمله از «.....» خبر می دهیم. (وجود)
- ۹- جنبه تمایز و اختلاف اشیاست و وجه وحدت آنها. (ماهیت-وجود)
- ۱۰- همه اشیاء عالم در با هم تفاوتی ندارند و اشیاء عالم از حیث با هم متفاوت اند (وجود-ماهیت)
- ۱۱- ملاصدرا طی مباحث مفصلی ثابت می کند که واقعیت خارجی، مصداق مفهوم «.....» است (وجود)
- ۱۲-، آنچه واقعیت خارجی را تشکیل می دهد، است نه و از آنجا که هر وجودی با تعینی خاص در خارج هست، از این تعین خاص مفهوم «ماهیت» به دست می آید. (وجود -ماهیت)
- ۱۳- ملاصدرا با تکیه بر اصالت وجود می گوید حال که «.....» با «.....» است و وجود هم امری واحد و وجه مشترک همه اشیاست، پس، واقعیت خارجی امری است. (اصالت-وجود-واحد)
- ۱۴- در فلسفه صدرایی که محور فلسفه مشائی بود و که اساس فلسفه اشراقی بود به هم می رسند و یکی می شوند و یک معنا و هویت می یابند. (وجود - نور)
- ۱۵- وجود، شدت و ضعف داشتن وجود مانند شدت و ضعف در نور است. (تشکیک)

(ب) سوالات کشف ارتباط:

الف: سوالات	ب: پاسخ ها
۱- به دانشمندان علم کلام، می گویند.	الف) اصالت وجود=۳
۲- مشرب فلسفی ملاصدرا	ب) وجود=۸
۳- بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا	ج) اسفار=۷
۴- گاهی فلسفه صدرایی را به این نام می خوانند.	د) نور=۶
۵- جنبه تمایز و اختلاف اشیاست	ک) ماهیت=۵
۶- شدت و ضعف داشتن وجود مانند ان است.	ل) فلسفه اصالت وجودی=۴
۷- دایرة المعارف فلسفی ملا صدرا	م) متکلمین=۱
۸- مفهوم ان در میان همه اشیا مشترک است.	ه) حکمت متعالیه=۲

(ج) گزاره های فلسفی صحیح و غلط:

- ۱- متکلمین از طریق قرآن و حدیث از معارف دینی دفاع می کنند. (غ)
- ۲- میرداماد که فیلسوفی اشراقی بود، می خواست حکمت مشاء را با حکمت اشراق در آمیزد و فلسفه مشائی را تفسیری اشراقی کند. (غ)
- ۳- ملاصدرا در کتاب اسفار ضمن بیان نظر فلاسفه، نظرات ابداعی و مستقل خود را تبیین می کند. این کتاب الهام از سفر چهار مرحله ای عارفان تقسیم بندی و تنظیم شده و در نه جلد به چاپ رسیده است. (ص)
- ۴- فلسفه ای که ملاصدرا بنیان گذاشت و آن را رسماً «حکمت متعالیه» نامید. نتیجه تکاملی دو مشرب گذشته، «فلسفه مشاء» و «فلسفه اشراق» و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود. (ص)
- ۵- در شخصیت وجودی ملاصدرا برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی با هم الفت یافته اند و از این الفت، فلسفه ای برآمده که سرآمد فلسفه های قبل است. (ص)
- ۶- وقتی ما چیزی را مشاهده می کنیم و متوجه بودن آن می شویم، می گوییم «این هست» و با این جمله از «ماهیت» و «چیستی» آن خبر می دهیم. (غ)
- ۷- اگر متوجه چیستی آن هم بشویم، می گوییم مثلاً «این سیب است»، و با این جمله هستی و «وجود» آن را بیان می کنیم. (غ)
- ۸- مفهوم وجود در میان همه اشیا مشترک است اما هر شیئی ماهیت خاص خود را دارد. لذا ماهیت، جنبه تمایز و اختلاف اشیاست و وجود، وجه وحدت آنها. (ص)
- ۹- همه اشیا عالم در بودن با هم تفاوتی ندارند (وحدت موجودات) (ص)
- ۱۰- اشیا عالم از حیث ماهیت با هم متفاوت اند (کثرت موجودات) (ص)
- ۱۱- ملاصدرا طی مباحث مفصلی ثابت می کند که واقعیت خارجی، مصداق مفهوم «وجود» است. (ص)
- ۱۲- آنچه واقعیت خارجی را تشکیل می دهد، وجود است نه ماهیت، و از آنجا که هر وجودی با تعینی خاص در خارج هست، از این تعین خاص مفهوم «ماهیت» به دست می آید. (ص)
- ۱۳- ملاصدرا با تکیه بر اصالت وجود می گوید حال که «اصالت» با «وجود» است و وجود هم امری واحد و وجه مشترک همه اشیاست، پس، واقعیت خارجی امری واحد است. (ص)
- ۱۴- وجود، حقیقتی دارای کثرت است اما این حقیقت واحد، مراتب و درجاتی عالی دارد و به اصطلاح منطق دانان، حقیقتی مشکک است (غ)

۱۵--تشکیک وجود، شدت و ضعف داشتن وجود مانند شدت و ضعف در نور است. (غ)

(د) سوالات تشریحی :

۱-رقیب فلسفه چه علمی بود؟

علم کلام

۲-به دانشمندان علم کلام،چه می گویند؟

متکلمین

۳-فیلسوفان بزرگ عصر صفویه را بنویسید.

میرداماد -شیخ بهایی-میرفندرسکی-ملاصدر

۴-ملا صدرا کی و در کجا به دنیا آمد؟

ملاصدرا در سال ۹۷۹ هجری قمری در شیراز به دنیا آمد

۵-بنیان گذار حوزه فلسفی اصفهان کی بود؟

میرداماد

۶-دو استاد بزرگ ملاصدرا که بود؟

میرداماد -شیخ بهایی

۷- مشرب فلسفی ملاصدرا چه نام دارد؟

حکمت متعالیه

۸- بنیادی ترین اصل فلسفی ملاصدرا چیست؟

اصالت وجود

۹-متکلمین از چه طریقی از معارف دینی دفاع می کنند؟

متکلمین از طریق عقل و استدلال از معارف دینی دفاع می کنند. بسیاری از متکلمان با فلسفه مخالف بودند و از فیلسوفان انتقاد می کردند.

۱۰-میرداماد چه نوع فلسفه ایی داشت و دنبال چه نوع فلسفه ایی بود؟

میرداماد که فیلسوفی مشائی بود، می خواست حکمت مشاء را با حکمت اشراق درآمیزد و فلسفه مشائی را تفسیری اشراقی کند.

۱۱-چه عواملی ملاصدرا را برای جهشی بلند در سپهر معرفت و حکمت مهیا ساخت؟

خلوت گزینی و تفکرات و تأملات عمیق و طولانی و عبادت ها و ریاضت ها به تدریج عقل و جان صدرالدین را برای جهشی بلند در سپهر معرفت و حکمت مهیا ساخت. انوار حکمت بر او تابید و الطاف الهی پیوسته بر وی جاری گشت. اسرار و رموزی بر او آشکار شد که آن زمان آشکار نشده بود.

۱۲- دایرة المعارف فلسفی ملا صدرا چیست؟ موضوع این کتاب چیست؟

اسفار - ملا صدرا در این کتاب ضمن بیان نظر فلاسفه، نظرات ابداعی و مستقل خود را تبیین می کند. این کتاب ۱۱ لهام از سفر چهار مرحله ای عارفان تقسیم بندی و تنظیم شده و در نه جلد به چاپ رسیده است.

۱۳- حکمت متعالیه نتیجه و ماحصل چه نوع فلسفه هایی است؟

فلسفه ای که ملا صدرا بنیان گذاشت و آن را رسماً «حکمت متعالیه» نامید. نتیجه تکاملی دو مشرب گذشته، «فلسفه مشاء» و «فلسفه اشراق» و نیز انس دائمی وی با وحی الهی و قرآن کریم بود. به عبارت دیگر، در شخصیت وجودی ملا صدرا برهان عقلی و شهود قلبی و وحی قرآنی با هم الفت یافته اند و از این الفت، فلسفه ای برآمده که سرآمد فلسفه های قبل است.

۱۴- چرا بهره مندی ملا صدرا از عرفان و شهود یا وحی قرآنی، فلسفه او را از معیارهای پذیرفته شده در دانش فلسفه تهی نمی سازد و به عرفان یا کلام تبدیل نمی کند؟

زیرا وی در مقام فیلسوف می داند که میزان و ملاک فلسفی بودن یک متن یا سخن، این است که اولاً هر مبحثی که طرح می کند، به موضوع فلسفه، یعنی موجود بما هو موجود، مربوط باشد و به آن برگردد. ثانیاً متکی بر عقل و استدلال عقلی باشد، نه شهود قلبی و بیان نقلی.

۱۵- ملا صدرا از شهود و وحی در آثار و نظریات فلسفی خود چگونه بهره گرفته است؟

ایشان این اصل را در آثار فلسفی خود، به خصوص در اسفار، مراعات کرده و در هر موردی که از شهود یا وحی الهی بهره برده، از این دو منبع نه به عنوان پایه استدلال بلکه به عنوان تأیید و شاهد کمک گرفته است.

۱۶- منابع حکمت متعالیه را بنویسید.

۱- فلسفه مشاء، به خصوص اندیشه های مستدل و قوی ابن سینا

۲- حکمت اشراق، اندیشه های شیخ شهاب الدین سهروردی

۳- عرفان اسلامی، به خصوص اندیشه های محیی الدین عربی

۴- تعالیم قرآن کریم و احادیث منقول از رسول خدا و ائمه اطهار

۱۷- اصول فلسفی ملا صدرا را بنویسید.

۳- تشکیک وجود

۲- وحدت حقیقت وجود

۱۰- اصالت وجود

۱۸- از هر چیز خارجی دو مفهوم به ذهن ما می رسد؟ آنها را نام برده و تعریف کنید.

از هر چیز خارجی دو مفهوم به ذهن ما می آید: «وجود» و «ماهیت»

وجود: به طور مختصر، وقتی ما چیزی را مشاهده می کنیم و متوجه بودن آن می شویم، می گوییم «این هست» و با این جمله از «وجود» و «هستی» آن خبر می دهیم.

ماهیت: اگر متوجه چیهستی آن هم بشویم، می گوییم مثلاً «این سیب است»، و با این جمله «چیهستی» و «ماهیت» آن را بیان می کنیم.

۱۹- وحدت و کثرت موجودات را توضیح دهید.

مفهوم وجود در میان همه اشیا مشترک است اما هر شیئی ماهیت خاص خود را دارد. لذا ماهیت، جنبه تمایز و اختلاف اشیاست و وجود، وجه وحدت آنها.

وجود ← همه اشیا عالم در بودن با هم تفاوتی ندارند (وحدت موجودات)

ماهیت ← اشیا عالم از حیث ماهیت با هم متفاوت اند (کثرت موجودات)

۲۰- با توجه به اینکه واقعیت خارجی یک چیز است، این واقعیت حقیقتاً مصداق مفهوم «وجود» هست یا «ماهیت»؟ پاسخ ملا صدرا را بنویسید.

ملا صدرا طی مباحث مفصلی ثابت می کند که واقعیت خارجی، مصداق مفهوم «وجود» است. به عبارت دیگر، آنچه واقعیت خارجی را تشکیل می دهد، وجود است نه ماهیت، و از آنجا که هر وجودی با تعینی خاص در خارج هست، از این تعین خاص مفهوم «ماهیت» به دست می آید؛ مثلاً وجود انسان ویژگی ها و تعینات خاصی دارد که زمینه ساز مفهوم انسان در ذهن ماست و وجود اسب ویژگی ها و تعینات دیگری دارد که مفهوم اسب را به ذهن ما می آورد.

پس، آنچه واقعیت خارجی را تشکیل می دهد و در خارج اصالت دارد، وجود انسان و اسب و مانند آنهاست نه ماهیت. ماهیت انسان و اسب، مفهومی است که از این وجودها انتزاع می شود.

۲۱- «اصل وحدت حقیقت وجود»، ملا صدرا را توضیح دهید.

ملا صدرا با تکیه بر اصالت وجود می گوید حال که «اصالت» با «وجود» است و وجود هم امری واحد و وجه مشترک همه اشیاست، پس، واقعیت خارجی امری واحد است. این حقیقت واحد همان اصل هستی اشیاست و اشیا و موجودات مختلف در حقیقت هستی با هم وحدت دارند.

۲۲- «اصل تشکیک وجود» ملا صدرا را توضیح دهید.

وجود، حقیقتی واحد است اما این حقیقت واحد، مراتب و درجاتی عالی دارد و به اصطلاح منطق دانان، حقیقتی مشکک است. تشکیک وجود، شدت و ضعف داشتن وجود مانند شدت و ضعف در نور است. نور، حقیقتی یگانه است اما شدت و ضعف دارد. در عین حال، شدت و ضعف نور از حقیقت نور خارج نیست. نور از همان جهت که نور است قوی است؛ نه اینکه با چیزی ترکیب شده و قوی شده باشد، و نور از همان جهت که نور است ضعیف است؛ نه اینکه با چیزی مثل تاریکی ترکیب شده و ضعیف شده باشد. زیرا

تاریکی همان نبود نور است. وجود هم همین گونه است. وجود قوی با چیزی خارج از خود ترکیب نشده است، زیرا خارج از وجود، چیزی نیست، وجود ضعیف هم به همین ترتیب.

برداشت

ملاصدرا می گوید: «بسیاری از منسوبان به علم، علم لدنیّ غیبی را که سالکان طریقت بدان اعتماد دارند، انکار می کنند و می گویند هر چه جز از راه آموزش و تفکر حاصل شود، علم نیست. برخی هم گمان برده اند [که] علم حقیقی منحصر در علم فقه و ظاهر تفسیر و کلام است ... ولی این هم گمانی فاسد است و گوینده آن تاکنون معنای قرآن را نفهمیده و باور ندارد که آن اقیانوسی است که پهنه اش تمامی حقایق را فرا می گیرد.»

۱- به نظر شما، ملاصدرا بر چه نکته ای تأکید می کند؟

ملاصدرا، همچون سهروردی توجه خاصی به شهود عرفانی و اشراق از جانب خداوند داشته و وحی قرآنی را از همین سنخ می دانسته و معتقد بوده حقیقت وحی، همان اشراق علم از جانب خداوند بر قلب پیامبر است.

۲- چرا ملاصدرا می گوید کسی که علم لدنیّ را علم نمی داند، قرآن کریم را نفهمیده است؟

زیرا قرآن کریم مصداق کاملی از علم لدنیّ و افاضه شده از جانب خداست و در همین کتاب شریف از چنین علمی برای همه پیامبران یادشده و فرموده: «العلم نورٌ یَقْدِفُهُ اللهُ فی قلب مَنْ یشاء»

بررسی

عموم فیلسوفان و از جمله ابن سینا و ملاصدرا درباره مسائل چون «اثبات وجود خدا» «وجود روح» و «معاد و آینده جهان» سخن گفته اند؛ در حالی که می دانیم این مباحث در دین هم مطرح می شوند.

آیا سخن گفتن فیلسوفان از این موارد به سخن آنان رنگ دینی نمی دهد و فلسفه را به کلام تبدیل نمی کند؟

خیر - اما حقیقت این گونه نیست. ملاصدرا و عموم فیلسوفان در مقام تبیین فلسفی مسائل در آنجا که در حال نوشتن کتاب فلسفی بوده از قاعده فلسفه عدول نکرده و از آن تبعیت کرده است.

بحث فلسفی، آنگاه فلسفی است که پیرامون موجود بماهو موجود و با روش عقلی صورت گیرد و ملاصدرا و عموم فیلسوفان از این قاعده پیروی کرده اند یعنی درست است که وی الهامات عرفانی زیادی داشته و آیات و روایات پیام های فراوانی در برداشته اند، اما این الهام ها و پیام ها در فلسفه وی تبدیل به استدلال شده و پذیرفته شده اند، نه صرفاً به عنوان یک الهام شهودی یا پیام قرآنی.

نمودار زیر یک سیر را نشان می دهد؛ آن را کامل کنید:

یک واقعیت و دو مفهوم دو نظر اصالت وجود تمایز دو مفهوم کدام واقعی؟ اصالت ماهیت



۱- با تکمیل جدول زیر ویژگی های سه مکتب فلسفی مشاء و اشراق و متعالیه را بیان کنید.

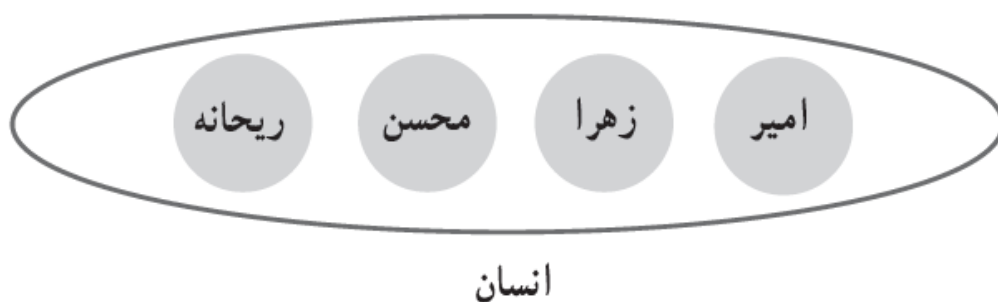
متعالیه	اشراق	مشاء
تقویت ارتباط استدلال و اشراق استفاده از دو مفهوم: «وجود» و «نور» توجه به فلسفه مشاء و اشراق استفاده از منبع وحی و قرآن کریم و کلمات معصومین بهره مندی از عرفان اسلامی	توجه به سلوک معنوی در کنار استدلال توجه به حکمت ایران باستان توجه به مفهوم «نور»	تکیه بر استدلال محض پیوستگی تاریخی به فلسفه ارسطو توجه کمتر به سلوک معنوی و اشراق توجه به مفهوم و حقیقت «وجود»

۲- چگونه حکمت متعالیه توانست حکمت مشاء و حکمت اشراق را به یکدیگر نزدیک نماید؟

ملاصدرا هم مبانی حکمت مشاء را که از ابن سینا آموخته بود و بر محور «وجود» بود قبول داشت و هم خود اهل سلوک معنوی و اشراق بود. او توانست حقیقت «وجود» را با معنای «نور» در فلسفه سهروردی نزدیک کند و نشان دهد که «وجود» و «نور» یکی است.

۳- آیا می توان دو عبارت «مراتب داشتن حقیقت وجود» و «وحدت حقیقت وجود» را در یک عبارت «وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت» جمع کرد؟

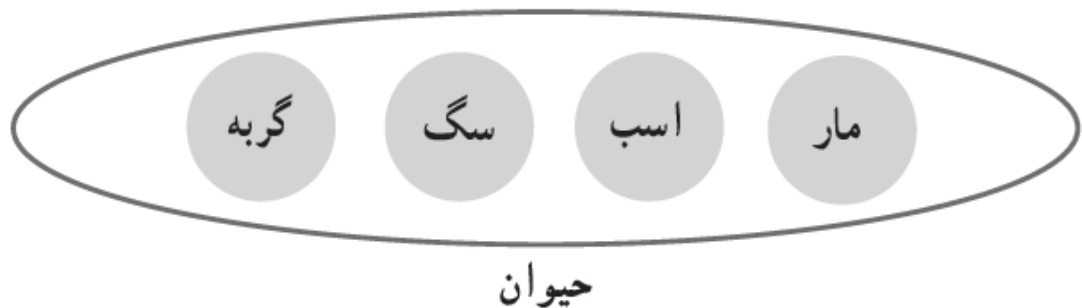
تا قبل از ملاصدرا چندگونه وحدت شناخته شده بود. یک گونه آن، وحدت در نوع بود. در این قسم از وحدت، چند نفر از یک نوع، زیر عنوانِ نوع واحد قرار می گیرند و همه یک نوع به شمار می آیند. این افراد، به لحاظ حقیقت وجودی واحد نیستند، بلکه چند شخص هستند، چند وجود واقعی بیرونی دارند، خودشان چند واحد شخصی هستند اما تحت یک نوع قرار می گیرند و از این جهت یکی هستند.



بعد از اثبات اصالت وجود و اعتباریت ماهیت و روشن شدن این حقیقت که واقعیت خارجی، چیزی جز وجود نیست، بحث به این سمت رفت و این سؤال مطرح شد که آیا ما چند وجود در خارج داریم یا یک وجود؟ در اینجا سه نظر قابل طرح است:

۱- در خارج، فقط و فقط یک وجود است، آن هم وجود خدا؛ هیچ چیز دیگری وجود ندارد. هر چیزی را که به عنوان ظهور خدا و پرتو خدا و مانند آن فرض کنیم، همه در حد فرض و توهم است و واقعیت خارجی ندارد.

وحدت دیگر، وحدت در جنس است. در این قسم از وحدت، چند نوع که از یک جنس باشند، وحدت در جنس دارند، یعنی در یک جنس باهم مشترک اند و از یک جنس هستند. در اینجا هم روشن است که یک شخص حیوان در خارج نداریم. حتی یک شخص گربه یا سگ در خارج نداریم؛ در خارج، افراد گربه و سگ و اسب و مار داریم. همان طور که افراد انسان، یعنی امیر، زهرا، محسن و ریحانه در خارج داریم، نه چیزی به نام انسان که نه زهرا باشد، نه امیر و نه افراد دیگر.



برخی از اهل تصوف چنین عقیده ای داشته اند و ملاصدرا این گروه را به شدت نقد می کند و توضیح می دهد که هرکس به وجدان خود، متوجه اشیا و موجوداتی غیر از خدا می شود و انسان نمی تواند این (حقیقت وجدانی را انکار کند). الاسفار الاربعه، ج اول، صص ۶۸ تا ۷۴

۲- چون اصالت با وجود است، نه ماهیت و چون تکثر را در خارج مشاهده می کنیم و می بینیم که افراد مختلفی در خارج هستند، پس ما در خارج، اشخاص و افرادی از وجود داریم که با یکدیگر تفاوت ذاتی دارند و این وجودها کاملاً از هم جدا هستند.



ملاصدرا در اینجا نظر سومی را ارائه کرد و گفت که بنابر اصالت وجود و اینکه واقعیت خارجی چیزی جز وجود نیست وجود هم یک حقیقت بیشتر نیست، پس واقعیت خارجی یک امر واحد و یک وجود است و یک شخص و فرد از وجود. اما این یک شخص و یک فرد از وجود، دارای مراتب است. به عبارت دیگر: وجود، یک نوع مانند انسان نیست که افرادی داشته باشد. خودش یک فرد است، خودش یک شخص است، اما مراتب دارد. وی نام این مراتب را ظهورات نامید. ظهورات، چیزی جدا از خود وجود نیست. رابطه ظهور است با حقیقت وجود، مانند رابطه دریا و موج دریاست. همان دریاست، همان ظهور دریاست. البته تصور و درک این سنخ از وحدت که ملاصدرا آن را «وحدت تشکیکی وجود» می نامد.